

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۶/۴،
بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۹۵-۱۲۰

روضه الشهداء از روایات مجعول تا تأثیرگذاری

(بررسی علل ورود اخبار ضعیف تاریخی به کتاب روضه الشهداء)*

مصطفی گوهری / دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران^۱

دکتر محمدعلی کاظم بیگی / دانشیار دانشگاه تهران^۲

دکتر عبدالرحیم قنوات / استادیار دانشگاه فردوسی مشهد^۳

چکیده

کتاب روضه الشهداء تألیف ملاحسین واعظ کاشفی (د. ۹۱۰ ق) یکی از تأثیرگذارترین آثار سده‌های اخیر پیرامون واقعه کربلاست که به سبب اشاعه اخبار مجعول در تألیفات تاریخی و باور عمومی مورد انتقاد قرار گرفته است و آن را از اسباب اصلی رواج اخبار کذب و ضعیف تاریخی درباره واقعه کربلا دانسته‌اند. مسئله پژوهش حاضر این است که آیا تمام دروغ‌ها و تحریف‌های مربوط به واقعه کربلا از این کتاب نشأت گرفته است یا پیش از این کتاب نیز وجود داشته است؟ در صورت منفی بودن پاسخ، دلایل ورود چنین اخباری به کتاب چه بوده است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که روضه الشهداء سرچشمه همه اخبار مجعول مربوط به واقعه کربلا نیست و بسیاری از این دست اطلاعات مأخوذ از منابع پیش از کاشفی است. مقاله حاضر به بررسی اخبار ضعیف تاریخی و چگونگی ورود آنها در روضه الشهداء و نیز علل چند سده رواج این کتاب در جوامع سنی و شیعی اختصاص دارد.

کلید واژه‌ها: روضه الشهداء، ملاحسین واعظ کاشفی، روایات عامیانه واقعه کربلا، عزاداری امام

حسین (ع)، گسترش تشیع.

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۵/۱۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۲۱.

۱. نویسنده مسئول؛ Email: gohari.f.m@gmail.com

2. Email: mabeghi@ut.ac.ir

3. Email: abdolrahimghanavat@yahoo.com

ملاحسین واعظ کاشفی یکی از دانشوران و وعاظ بزرگ ایران در اواخر دوره تیموری (۷۷۱ - ۹۱۳ ق) است. وی در حدود دهه چهل سده نهم هجری قمری در شهر سبزوار دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در همان شهر و سپس نیشابور فرا گرفت. آنگاه در سال ۸۶۰ ق مدت کوتاهی را در مشهد اقامت گزید تا آن که با دیدن یک رؤیا برای ملاقات سعدالدین کاشغری (د. ۸۶۰ ق) عازم هرات شد و تا پایان عمر (۹۱۰ ق) در همان شهر اقامت گزید. کاشفی واعظی خوش صدا و متبحر با دایره گسترده ای از معلومات بود؛ ویژگیهایی که موجب توجه دربار سلطان حسین بایقرا (حک. ۸۷۳ - ۹۱۱ ق) به او شد. جلسات وعظ و سخنرانی منظم و پر رونق او برای سالها در هرات برقرار بود. وی در نوشتن نیز دستی توانا داشت و آثار متعددی در انواع علوم (شرعی، ادبی، دقیقه و غریبه) از خود به یادگار گذاشت که تعدادشان را تا حدود چهل اثر برشمرده‌اند.^۱

یکی از آثار مهم و البته جنجالی کاشفی کتاب *روضه الشهداء* است که برای چندین سده یکی از تأثیرگذارترین کتب مذهبی در شرق جهان اسلام بوده است. داوری‌ها در مورد این کتاب متضاد است.^۲ برخی آن را از عوامل اصلی ورود جعل و تحریف در ادبیات مربوط به واقعه کربلا دانسته و از این رو مورد نکوهش قرار داده‌اند (مطهری، ۸۷/ ۱ - ۸۸).^۳ متقابلاً عده ای دیگر، به رغم پذیرش وجود جعلیات تاریخی در *روضه الشهداء*، با تأکید بر نقش آن در گسترش تشیع در فضای مساعد ایران، آن را از عوامل موفقیت صفویان و سیاست مذهبی ایشان دانسته‌اند. در حالی که شیبی بر نقش و اهمیت آن در گسترش تشیع در ایران تأکید کرده است (۳۲۷)، عده ای چون ر. جعفریان و ع. امانت به رغم ستایش، این کتاب را به سبب

۱. برای آگاهی بیشتر از شرح حال کاشفی، رک. نوایی، *مجالس النفائس*، ۹۳، ۲۶۸؛ خواندمیر، *حبيب السیر*، ۴/ ۳۴۵؛ فخرالدین علی کاشفی، *رشحات عین الحیات*، ۲/ ۶۰۷، فرهانی، *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*، ۳۱۴ - ۳۴۹؛ Yousofi, kashifi, EI2, 4/ 704 - 705.

۲. درباره *روضه الشهداء* پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ از جمله بابک رشنوزاده، «روضه الشهداء»، *کتاب ماه دین*، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، ش ۱۰۲ و ۱۰۳، ص ۴۵ - ۴۶؛ حکیمه دبیران، علی تسنیمی، «کاشفی و نقد و بررسی روضه الشهداء»، *پژوهش‌های ادبی*، تابستان ۱۳۸۷، ۵ (۲۰)، ص ۲۵ - ۴۲؛ حسن فاطمی، «منابع تحریف گستر در حادثه عاشورا»، *کتاب‌های اسلامی*، تابستان ۱۳۸۳، ش ۱۸، ص ۵۳ - ۷۵.

۳. مطهری گرچه برای ادعای خود سند و مدرکی ارائه نکرده است ولی به باور او مردم پیش از تالیف *روضه الشهداء* به منابع اصلی مراجعه می کردند (مطهری، ۸۷/ ۱)!

وجود جعلیات فراوان یک رمان تاریخی (historical novel) می‌دانند (جعفریان، ۳۵؛ Amanat, 261). جعفریان تألیف کتاب را تحت تأثیر کتب قهرمانی مانند ابومسلم نامه‌ها و مختار نامه‌ها می‌داند، هرچند که خود بعداً جای این آثار را گرفته است (جعفریان، ۳۵ و نیز شیبی، ۳۲۶). مرتضی نیک پایان دری مقاله‌ای محققانه عناصر داستانی موجود در کتاب را بررسی کرده است. به عقیده وی، توجه کاشفی به جزئیات حوادث و استفاده از عنصر تخیل و غلو در این موارد، توصیف مکان‌ها، خوی و خصلت‌ها و ظواهر افراد از عناصر دراماتیکی است که در تجسم بهتر و نزدیکی بیشتر خواننده با ماجرا نقش موثری ایفا کرده است (نیک پایان، ۳۱، ۳۵).

روضة الشهداء را باید از آخرین آثار کاشفی محسوب کرد. او خود تصریح کرده است که آن را در کهولت (کاشفی، ۳۷)^۱ و در ۹۰۸ ق، یعنی دو سال پیش از وفاتش (۹۱۰ ق)، به دستور و تشویق «مرشد الدولة و الملة و الدین عبدالله المشتهر بسید میرزا» نوشت (همو، ۳۶ - ۳۷) که همسر مریم بیگم دختر سلطان حسین بایقرا بود. از شجره نسبی که کاشفی در پایان کتاب آورده، معلوم می‌شود که این سید عبدالله میرزا از سادات حسنی بود (همو، ۵۳۸). همچنین از سکوت منابع می‌توان حدس زد که در دیوان و دربار منصب خاصی نداشت. در زمره فرماندهان صاحب نام سپاه نیز نبود، هرچند که در کارنامه او نبردی ناموفق با بدیع‌الزمان میرزا، فرزند یاغی سلطان حسین بایقرا، به چشم می‌خورد. در پی شکست در این لشکرکشی، ناگزیر به اردوی سلطان پیوست (۹۰۶ ق). اگرچه سید عبدالله میرزا پس از مرگ سلطان از جمله مدعیان حکومت بود، ولی فشار زنان دربار، به ویژه همسرش، او را وادار به اطاعت از بدیع‌الزمان میرزا کرد که جانشین سلطان حسین بایقرا شده بود. سید عبدالله میرزا اندکی قبل از حمله ازبکان به هرات (۹۱۲ ق) از شهر گریخت و ابتدا در مشهد به نیروهای بدیع‌الزمان میرزا پیوست، آنگاه به سبزوار رفت و سرانجام در جنگ با ازبکان کشته شد (۹۱۳ ق) (خواندمیر، ۴/ ۲۴۸ - ۲۴۹، ۳۸۷).

۱. در مقاله حاضر تمام ارجاعات به چاپ محمد روشن است و از چاپ شعرانی تنها برای استفاده از نظرات وی استفاده شده است که در جای خود تذکر داده شده است.

هدف سید عبدالله میرزا از تشویق کاشفی برای تألیف کتاب چندان آشکار نیست. امانت آن را مستحکم‌تر کردن جایگاه سید در دستگاه حکومت تیموری و احتمالاً به دست گیری قدرت از طریق اظهار انقیاد نسبت به صفویان دانسته است (Amanat, 256 _ 257). با وجود این، نباید فراموش شود که در آن هنگام بزرگان هرات خطر قریب‌الوقوع حمله ازبکان را همزمان با اعلان تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران در غرب توسط شاه اسماعیل تجربه می‌کردند. از این روی، برای ایشان باز کردن جای پای در تحولات آینده (پس از مرگ سلطان حسین بایقرا) خود می‌توانست راهبردی منطقی باشد. برای این منظور، کتاب *روضه الشهداء* ابزاری مناسب بود، به ویژه آن که ذکر وابستگی سید عبدالله میرزا به خاندان شاهی و نیز «علو نسب در سیادت» در خطبه کتاب (کاشفی، ۳۷)، ضمن تقویت موقعیت سید در میان شاهزادگان تیموری، می‌توانست توجه صفویان را به سید عبدالله میرزا معطوف کند (Amanat, 256 _ 257). شاید بتوان افزایش گرایش‌های شیعی در آن زمان و ارتقای جایگاه اجتماعی سادات را نیز در تشویق سید عبدالله میرزا به حمایت از کاشفی مؤثر دانست.

محتوای کتاب

آشنایی با محتوای *روضه الشهداء* مستلزم آشنایی با انگیزه، هدف و روش کاشفی در تألیف آن است که احتمالاً چندگانه بود. وی خود تصریح کرده است که بر آن بود کتابی جامع در «حالات اهل بلا از انبیا و اصفیا و شهدا و سایر ارباب ابتلا و احوال آل عبا» بر سبیل توضیح و تفصیل مسطور سازد (کاشفی، ۳۷). با وجود این، بارزترین انگیزه کاشفی را باید فقدان کتابی مشابه دانست. خود در این باره تصریح کرده است: «هر کتابی که در این باب [مقتل شهدا] نوشته‌اند اگرچه به زیور حکایت شهدا حالی است اما از سمت جامعیت فضایل سبطین و تفصیل احوال ایشان خالی است» (همو، ۳۶). در جایی نیز مقصد اصلی خود را از تألیف، «ذکر احوال شهدای اهل بیت» اعلام کرده است (همو، ۲۲۱). از سوی دیگر، با توجه به تأکیداتش بر ثواب گریستن بر مصیبت امام حسین (ع) (همو، ۳۵ - ۳۶، ۶۶، ۱۳۵، ...)، دور نیست تصور کنیم که نگاهی به فراهم آوردن کتابی در خور مجالس سوگواری امام حسین (ع)

نیز داشت که ظاهراً در اواخر عصر تیموریان به یک سنت تبدیل می‌شد. کاشفی خود از برپایی مراسم عزاداری امام حسین (ع) در ماه محرم سخن گفته است (همو، ۳۶). از شعری در کتاب نیز چنین بر می‌آید که به وقت تألیف روضه الشهداء، عزاداری برای امام حسین (ع) در نخستین دهه ماه محرم اگر نه متداول که شناخته شده بود:

لایق بود در این دهه از ما گریستن بر عترت نبی معلی گریستن (همو، ۸۷)

به نوشته کاشفی «در اغلب رسایل که داستان این مقتل [واقعه کربلا] مرقوم شده تفصیل این مبارزان و کیفیت مبارزات ایشان مذکور نیست و به مجرد نامی و شعری اکتفا کرده‌اند و این کمینه تفحص و تصفح بسیار کرده تا تفصیل آن واقعه را به طریق خیر الکلام در این اوراق ایراد نمود» (همو، ۳۷۲).

روضه الشهداء نه یک کتاب مقتل که حاصل سالها تجربه برگزاری مجالس وعظ و عزاداری و آشنایی شخصی کاشفی با ظرایف و دقایق چنین مجالسی بود که رونقشان با شناخت جامعه و نیازها و گرایش‌های حاکم رابطه مستقیم داشت. برای بهره‌گیری کاشفی از این آگاهی‌ها و تجربیات نشانه‌های متعدد وجود دارد. به عنوان نمونه شرح واقعه رحلت پیامبر (ص) به خامه او با صفحاتی موعظه در باره گریز ناپذیری از مرگ و بی اعتباری دنیا همراه است که طبعاً مناسب یک کتاب تاریخی نیست (همو، ۱۴۱ - ۱۴۳). همچنین در فصول مربوط به انبیاء سلف و سایر بزرگان اهل بیت به تناسب موضوع، مکرر به واقعه کربلا می‌پردازد که این شیوه گریز زدن، خاص واعظان و روضه خوانان است، هر چند که مرحوم شعرانی، خود کاشفی را مبدع این شیوه می‌داند (شعرانی، پاورقی روضه الشهداء، ۲۲). کتاب نیز در بسیاری موارد حالت خطابی به خود می‌گیرد و مؤلف، خواننده خود را طرف خطاب قرار می‌دهد که خاص چنین آثاری است. استفاده از روایات ضعیف برای تأثیر در مخاطب نیز که خاص کتب اخلاقی و وعظ است، مکرر در کتاب به چشم می‌خورد. به گفته مرحوم شعرانی، این شیوه، «روش واعظان است که اگر خبر ضعیف مشتمل بر پند و تنبیهی صحیح باشد و آن پند را نیکو در دل جای دهد از نقل آن خبر ضعیف باک ندارند و چون مستمعان این رسم را می‌دانند موجب تدلیس نمی‌شود» (همو، ۱۹).

نگاه کاشفی به امام حسین (ع) یک نگاه صوفیانه است. روضه الشهداء تنها درباره امام حسین (ع) نیست بلکه درباره بلایا و مصائبی است که بر انبیای سلف و اهل بیت وارد آمده که رویداد کربلا مصداق اتم ابتلا و امتحان است. در واقع آنچه درباره انبیای سلف و پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و فاطمه (س) و امام حسن (ع) در اثر کاشفی آمده، مقدمه ای است برای بحث اصلی کتاب، یعنی ابتلائات امام حسین (ع) در کربلا. می توان این بیت را بازگو کننده پیام و اندیشه اصلی کتاب روضه الشهداء دانست:

هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند (همو، ۳۳)

کاشفی برای اثبات این نظر به نمونه های متعدد از زندگی بزرگان دین استناد کرده است. تقاضای حلاج از خداوند برای افزایش درد و شکنجه اش جهت فزونی عشق به معبود یکی از مستندات کاشفی است (همو، ۲۹۰ - ۲۹۱). چهره امام حسین (ع) در این کتاب بیش از هر چیز چهره یک مؤمن (صوفی) ممتحن است (شیبی، ۳۲۸) که باید بر اساس پیش آگاهی از سرنوشت محتوم خویش مسیر شهادت را طی کند (به عنوان نمونه، ۲۷۷). نقش او تنها تحمل سختی ها و مصائب این راه است که با رسیدن به انجام آن یعنی «شهادت» می تواند به درجاتی که خداوند برای او در عالم آخرت در نظر گرفته، نایل شود (همانجا).

از منظر تنظیم، روضه الشهداء مشتمل بر ده باب و یک خاتمه است و از لحاظ حجم و موضوع می توان آن را به دو بخش تقسیم کرد: نیمه نخست کتاب (باب اول تا ششم) شامل ابتلائات و سختی هایی است که بر انبیای سلف، حضرت رسول (ص)، امام علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و امام حسن (ع) وارد شده است. نیمه دوم (چهار باب پایانی روضه الشهداء) به زندگانی امام حسین (ع) و واقعه کربلا اختصاص دارد. خاتمه کتاب نیز در انساب سادات است.

منابع روضه الشهداء

آشنایی با جایگاه و نیز تأثیر دیرپای روضه الشهداء در آثار متأخر دینی مستلزم نقد آن است. پیش از هر سخن باید توجه داشت که کاشفی بر خلاف بسیاری از معاصرین خود، در موارد

پرشماری به دو شکل به منبع خود تصریح می‌کند: گاه با نام مؤلف و گاه با عنوان کتاب. بسیاری از منابع وی فارسی‌اند و این شاید فارسی‌نویسی او را توجیه کند. به هر روی نباید فراموش کرد که در قلمرو تیموریان اکثر کتب به زبان فارسی نوشته می‌شد و مخاطبان این آثار معمولاً عامه مردم بودند؛ چنان که سبب اشتها برخی از این آثار و اقبال عمومی از آنها نیز فارسی بودنشان است.

کاشفی در تألیف *روضه الشهداء* از منابع متعددی (۶۸ اثر) بهره گرفته است. گرچه شاید به طور قطع نتوان درباره این موضوع که استفاده کاشفی از منابعی که در کتاب از آنها یاد می‌کند مستقیم یا مع‌الواسطه بوده است، اظهار نظر کرد اما از برخی شواهد می‌توان دریافت که کاشفی به احتمال زیاد به منابع خود مستقیماً مراجعه کرده است و اگر از منبعی به صورت غیر مستقیم استفاده کرده است به این موضوع تذکر داده است. موارد چندی در این باره وجود دارد: «امام یافعی در کتاب *مرآت الجنان* آورده که ابن عبدالبرّ از حسن بصری نقل کرده» (کاشفی، ۳۵)، «امام یافعی در *مرآت الجنان* آورده که امام احمد حنبل در *مسند* خود از انس بن مالک نقل می‌کند» (همو، ۵۲)، «در *شواهد* از *دلایل* امام مستغفری نقل کرده» (همو، ۲۱۳)، «در *شواهد النبوة* آورده که زمخشری در کتاب *ربیع الابرار* روایت کرده» (همو، ۴۷۸). بنابراین بعید به نظر می‌رسد که کاشفی از منبعی غیر مستقیم بهره برده باشد اما مستقیماً بدان ارجاع دهد.

شناخت برخی از منابع *روضه الشهداء* به آسانی ممکن نیست؛ زیرا گاه از کتابی نام می‌برد که عنوان مشترک آثار چند مؤلف است. در بررسی کنونی، در مواردی اینچنین، قرائنی همانند محتوا، محیط جغرافیایی، قرابت زمانی و زبانی به *روضه الشهداء* ملاک تشخیص و معرفی قرار گرفته است. افزون بر آن در مواردی کاشفی از مؤلفین یا آثاری نقل می‌کند که ذکری از آنها در کتابشناسی‌ها یافت نمی‌شود و این به سبب گمنام بودن این آثار و مؤلفان و یا قصور کاشفی در ذکر کامل اسامی و عناوین آنهاست. با توجه به عدم امکان تشخیص موضوع دسته اخیر، بخش «منابع مجهول» (ناشناخته) به آنها اختصاص داده شده است. منابع کاشفی را که از بابت تنوع چشمگیر هستند، می‌توان در ۸ دسته جای داد که در جدول زیر اسامی و تعداد دفعات نقل کاشفی از هر یک از آنها به همراه توضیحی درباره برخی از آنها ارائه شده است.

ردیف	عنوان کتاب یا مؤلف	موضوع	توضیحات	تعداد منقولات
۱	اسباب النزول واحدی	تفسیر	کتابی در شأن نزول آیات قرآن کریم تألیف علی بن احمد واحدی نیشابوری (د ۴۶۸ ق)، مفسر و ادیب شافعی.	۱
۲	بحر الحقائق	تفسیر	بحر الحقائق و المعانی فی تفسیر السبع المثانی تألیف نجم الدین دایه (د ۶۵۴ ق) (بغدادی، ۱/ ۴۶۱).	۱
۳	تفسیر ثعلبی	تفسیر	الکشف و البیان فی تفسیر القرآن تألیف ابواسحاق احمد بن محمد نیشابوری (د ۴۲۷ ق)	۱
۴	تفسیر سوره یوسف امامزاده	تفسیر	احتمالاً مراد محمد بن ابی بکر الواعظ المعروف بامام زاده الجونی رکن الاسلام الحنفی المفتی بخاری (د ۵۷۳ ق) است (همو، ۲/ ۹۸).	۱
۵	تفسیر کبیر امام اسماعیل بخاری	تفسیر	احتمالاً مراد اسماعیل بن محمد بخاری معروف به مستملی (د ۴۳۴ ق) است (همو، ۱/ ۲۱۰).	۲
۶	تفسیر نسفی	تفسیر	مدارک التنزیل و حقائق التاویل معروف به تفسیر نسفی تألیف عبدالله بن احمد معروف به حافظ الدین نسفی (د ۷۱۰ ق)	۲
۷	الستین الجامع	تفسیر	تفسیری فارسی بر سوره یوسف تألیف تاج الدین احمد بن محمد طوسی (سده ششم هجری)	۱

بهار و تابستان ۹۰ روضة الشهداء از روایات مجعول تا تأثیرگذاری				
۸	معالم التنزیل	تفسیر	تألیف ابومحمد حسین بن مسعود معروف به الفراء البغوی (د ۵۱۰ ق)	۱
۹	حاکم خثعمی	حدیث	در منابع چیزی درباره آن یافت نشد.	۱
۱۰	روضه الواعظین	حدیث	تألیف محمد بن علی بن احمد الفارسی معروف به قتال نیشابوری (مقت ۵۰۸ ق) که کاشفی به غلط آن را به شیخ مفید اسناد داده است (کاشفی، ۱۶۹).	۳
۱۱	سنن ترمذی	حدیث	سنن یا جامع ترمذی یکی از کتب صحاح سته تألیف ابوعیسی محمد بن عیسی بن سوره (د ۲۷۹ ق)	۵
۱۲	سنن نسائی	حدیث	یکی از صحاح سته تألیف ابو عبدالرحمان احمد بن شعیب نسائی (د ۳۰۳ ق)	۱
۱۳	سیر امام اسماعیل خوارزمی	حدیث	در منابع چیزی درباره آن یافت نشد.	۲
۱۴	سیر کبیر طبری	حدیث	شاید مراد همان تاریخ الرسل و الملوک باشد (جعفریان، ۳۰).	۱
۱۵	صحیح بخاری	حدیث	یا الجامع الصحیح، از صحاح سته اهل سنت، تألیف ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (د ۲۵۶ ق)	۱
۱۶	صحیح مسلم	حدیث	از صحاح سته تألیف ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (د ۲۶۱ ق)	۱

۱۷	صحیفه رضویه	حدیث	مجموعه ای از احادیث منقول از امام رضا (ع) در موضوعات مختلف که با عنوان صحیفه الامام الرضا علیه السلام به چاپ رسیده است.	۳
۱۸	عیون اخبار الرضا (ع)	حدیث	کتابی اختصاصی درباره امام رضا (ع) تألیف شیخ صدوق (د ۳۸۱ ق)	۸
۱۹	فردوس الاخبار	حدیث	فردوس الاخبار بمأثور الخطاب تألیف ابوشجاع شیرویه بن شهردار الهمدانی الدیلمی (د ۵۰۹ ق) (حاجی خلیفه، ۲ / ۱۲۵۴).	۱
۲۰	مسند احمد بن حنبل	حدیث	یکی از مسانید مهم حدیثی اهل سنت حاوی متجاوز از سی هزار حدیث تألیف احمد بن حنبل (د ۲۴۱ ق)	۱
۲۱	ابن عنبه	تاریخ و انساب	عالم نسب شناس صاحب آثاری همچون عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، بحر الانساب، التاريخ الكبير، الفصول الفخرية، التحفة الجلالية فی انساب الطالبية	۱
۲۲	تاریخ ابوحنیفه دینوری	تاریخ و انساب	احتمالاً مراد الاخبار الطوال تألیف ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری (د ۲۸۲ ق) است.	۱
۲۳	تاریخ بناکتی	تاریخ و انساب	روضة اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب تألیف فخرالدین ابوسلیمان داوود بن تاج الدین ابوالفضل بناکتی (د ۷۳۰ ق)	۱
۲۴	تاریخ طبری	تاریخ و انساب	تاریخ الرسل و الملوك تألیف محمد بن جریر طبری (د ۳۱۰ ق)	۱

بهار و تابستان ۹۰ روضة الشهداء از روایات مجعول تا تأثیرگذاری				
۲۵	تاریخ العالم	تاریخ و انساب	احتمالاً از آثار گمنام و ضعیف دوره تیموری	۱
۲۶	الفتوح	تاریخ و انساب	نوشته ابومحمد احمد بن اعثم کوفی (نیمه اول قرن چهارم هجری) از کتاب های مشهور در موضوع فتوح	۲
۲۷	شرف الدین عبیدالله نسابه	تاریخ و انساب	در منابع چیزی درباره آن یافت نشد.	۱
۲۸	مرآت الجنان	تاریخ و انساب	مرآت الجنان و عبرة الیقظان، تألیف ابومحمد عبدالله بن اسعد یافعی (د ۷۶۸ ق) کتابی تاریخی که به شیوه سالشمار تنظیم شده است (حاجی خلیفه، ۱۶۴۷/۲).	۳
۲۹	موالید ابن خشاب	تاریخ و انساب	موالید اهل البیت تألیف احمد بن عبدالله النحوی معروف به ابن خشاب (د ۵۶۷ ق) (همو، ۲/ ۱۸۹۴).	۲
۳۰	ندافی نسابه	تاریخ و انساب	در منابع چیزی درباره آن یافت نشد.	۱
۳۱	ترجمه المستقصی	سیره پیامبر(ص)	کتاب المستقصی تألیف ابوبکر عبد السلام بن محمد فردوسی اندرسفائی (قرن ششم) و ترجمه آن از کمال الدین خوارزمی (د ۸۴۵ ق) است (آقابزرگ، ۱۱۱/۲۲)	۱
۳۲	درج الدرر	سیره پیامبر(ص)	درج الدرر فی میلاد سید البشر تألیف امیر سید اصیل الدین عبدالله حسینی دشتکی شیرازی (د ۸۸۳ ق) (بغدادی، ۱/ ۴۶۹ - ۴۷۰).	۱

۳۳	دلایل النبوة	سیره پیامبر(ص)	کاشفی از آن با عنوان <i>دلائل ابوالشیخ اصفهانی</i> یاد می کند (ص ۱۵۸). احتمالاً <i>دلائل النبوة</i> ابونعیم اصفهانی (د ۴۳۰ ق) مراد است.	۱
۳۴	زالال الصفا	سیره پیامبر(ص)	<i>زالال الصفا فی احوال المصطفی</i> به فارسی تألیف ابوالفتح محمد بن احمد الکرمانی (د ۵۲۵ ق) (بغدادی، ۲/ ۸۶)	۱
۳۵	سیره محمد بن اسحاق	سیره پیامبر(ص)	احتمالاً مراد <i>السيرة النبوية</i> تألیف ابن هشام (د ۲۱۸ ق) است.	۱
۳۶	شواهد النبوة	سیره پیامبر(ص)	تألیف عبد الرحمان جامی (د ۸۹۸ ق)	۳۷
۳۷	معارض النبوة	سیره پیامبر(ص)	<i>معارض النبوة فی مدارج النبوة</i> تألیف معین الدین محمد مسکین فراهی (د ۹۰۷ یا ۹۰۹ ق) (حاجی خلیفه، ۲/ ۱۷۲۳).	۱
۳۸	الآل	مناقب و زندگینامه دوازده امام	کتاب متعلق به ابن خالویه (د ۳۷۰ ق) است (همو، ۲/ ۱۳۹۶) که کاشفی به اشتباه آن را به ابن بابویه قمی نسبت داده است (کاشفی، ۱۷۶).	۱
۳۹	اعلام الوری	مناقب و زندگینامه دوازده امام	<i>اعلام الوری باعلام الهدی</i> تألیف ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (د ۵۴۸ ق)، فقیه و محدث بزرگ امامی.	۱
۴۰	بشارة المصطفی	مناقب و زندگینامه دوازده امام	<i>بشارة المصطفی لشيعة المرتضى</i> تألیف عماد الدین طبری (د ۵۲۵ ق)	۲

بهار و تابستان ۹۰ روضة الشهداء از روایات مجعول تا تأثیرگذاری ۱۰۷				
۴۱	روضه الاحباب	مناقب و زندگینامه دوازده امام	روضه الاحباب في سيرة النبي و الآل و الاصحاب تأليف جمال الدين عطاء الله دشتکی شیرازی معروف به جمال حسینی (د ۹۲۷ ق)	۱
۴۲	کنز الغرائب	مناقب و زندگینامه دوازده امام	کنز الغرائب في قصص العجائب که در سال ۸۸۲ ق توسط نجم الدين قاسم بن محمد مزمکینی نوشته شده است (استوری، ۲ / ۱۰۳۴).	۱۳
۴۳	مطالب السؤل	مناقب و زندگینامه دوازده امام	مطالب السؤل في مناقب آل الرسول تأليف کمال الدين محمد بن طلحه شافعی (د ۶۵۲ ق)	۱
۴۴	مناقب ابن مردويه	مناقب و زندگینامه دوازده امام	کتابی در مناقب امام علی (ع) تأليف ابوبکر احمد بن موسى بن مردويه اصفهانی (د ۴۱۰ ق) (آقابزرگ، ۲۲ / ۳۲۲).	۱
۴۵	مناقب خوارزمی	مناقب و زندگینامه دوازده امام	کتابی در مناقب امام علی (ع) تأليف ابوالمؤید موفق بن احمد المکی الحنفی (د ۵۶۸ ق) صاحب مقتل الحسين (ع)	۲
۴۶	نظم درر السمطين	مناقب و زندگینامه دوازده امام	نظم درر السمطين في فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطین تأليف محمد بن يوسف زرنندی در ۷۴۷ ق (همو، ۸ / ۱۲۵).	۱
۴۷	مقتل الشهداء ابوالمفاخر	مقاتل	ابوالمفاخر رازی، از شعرا و ادبای قرن ششم هجری (دولت‌شاه سمرقندی، ۸۶)	۱۹
۴۸	مقتل امام اسماعیل	مقاتل	در منابع چیزی درباره آن یافت نشد.	۱

۴۹	مقتل خوارزمی	مقاتل	مقتل الحسین تألیف ابوالمؤید موفق بن احمد المکی الحنفی (د ۵۶۸ ق)	۲۸
۵۰	مقتل دینوری	مقاتل	در منابع چیزی درباره آن یافت نشد.	۱
۵۱	روح الارواح	اخلاق و تصوف	احتمالاً مراد روح الارواح تألیف امیر حسین غوری دهلوی (د ۷۱۸ ق) است (حاجی خلیفه، ۱/ ۹۱۵).	۳
۵۲	شرح تعرف	اخلاق و تصوف	عده ای به کتاب التعرف لمذهب التصوف کلاباذی (د ۳۸۴ ق) شرح نوشته اند؛ از جمله خود کلاباذی و اسماعیل بن محمد بخاری معروف به مستملی (د ۴۳۴ ق) و خواجه عبدالله انصاری (د ۴۸۱ ق) (بغدادی، ۱/ ۷۱۷).	۱
۵۳	فصل الخطاب	اخلاق و تصوف	فصل الخطاب لوصل الاحباب تألیف خواجه محمد پارسا (د ۸۲۲ ق)	۲
۵۴	مصایح القلوب	اخلاق و تصوف	از کتب مشهور فارسی در موضوع وعظ تألیف ابوعلی حسن بن حسین معروف به شیعی سبزواری است (حاجی خلیفه، ۲/ ۱۷۰۲ - ۱۷۰۳).	۲
۵۵	زهرة الرياض	اخلاق و تصوف	زهرة الرياض و نزهة القلوب المراض تألیف تاج الاسلام سلیمان بن داوود الستیسینی (در الذریعة: السبیتی) (حاجی خلیفه، ۲/ ۹۶۲؛ آقابزرگ، ۱۶۰/۳).	۱
۵۶	ابن حسام	ادبیات	یکی از شاعران شیعی عصر تیموری که با سرودن مثنوی خاوران نامه ماجرای افسانه ای آمدن امام علی (ع) به شرق و جنگ با کفار را به تصویر کشید.	۲

بهار و تابستان ۹۰ روضة الشهداء از روایات مجعول تا تأثیرگذاری				
۵۷	ابن یمین	ادبیات	فخرالدین محمود بن یمین الدین محمد طغرائی، شاعر شیعی خراسانی (د ۷۶۳ یا ۷۶۵ یا ۷۶۹ ق).	۱
۵۸	حافظ	ادبیات	شمس الدین محمد شیرازی (د ۷۹۲ ق)	۱
۵۹	حکیم الهی	ادبیات	مراد حکیم سنایی (د ۵۲۵ ق) است.	۳
۶۰	شاه قاسم انوار	ادبیات	شاه قاسم انوار (د ۸۳۷ ق)، مرید طریقت صفویه و شاگرد شیخ صدرالدین اردبیلی (د ۸۳۰ ق)	۱
۶۱	شیخ اوحدی	ادبیات	احتمالاً مراد رکن الدین اوحدی مراغه ای (د ۷۳۸ ق)، شاعر متصوف سده هشتم، است.	۱
۶۲	عطار	ادبیات	شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (د ۶۲۷ ق)	۲
۶۳	مثنوی معنوی	ادبیات	اثر ماندگار جلال الدین محمد بلخی (د ۶۷۲ ق)	۲
۶۴	تکمله	نامعلوم		۱
۶۵	امام رضی بخاری	نامعلوم		۱
۶۶	روضة الاسلام	نامعلوم		۱
۶۷	زمخشری	نامعلوم		۱
۶۸	مبکیات	نامعلوم		۱

نقد منابع

تنوع منابع روضة الشهداء قابل ملاحظه است. وی برای تألیف این کتاب - که ذاتاً صبغه‌ای تاریخی دارد - از اغلب دسته های آثار اسلامی اعم از تاریخ، تفسیر، حدیث، تصوف، ادبیات و ... استفاده کرده است و در نتیجه حاصل کار اثری جذاب و خواندنی پیرامون این واقعه از کار درآمده است. استفاده از منابع متنوع برای تألیف این اثر تاریخی و نیز گوناگونی مطالب آن

بیش از هر چیز به اشتغال کاشفی به واعظی باز می‌گردد که مستلزم استفاده از مطالب متنوع در وعظ و سخنرانی است.

منابع روضة الشهداء از لحاظ وثاقت و اعتبار البته در یک سطح نیستند. در یک تقسیم بندی می‌توان آنها را به دو دسته منابع کهن و منابع معاصر کتاب تقسیم کرد. در مورد صحت و اعتبار منابع کهن وی همچون صحیح بخاری، سنن ترمذی، عیون اخبار الرضا (ع)، تاریخ طبری و مقتل الحسین (ع) خوارزمی با توجه به شهرت و شناخته بودن این آثار و مؤلفان آنها ضرورتی به شرح و بحث نیست، ولی ارزش و اعتبار منابع معاصر او در مظان تردید است. در حالی که شماری از آنها مانند شواهد النبوة و روضة الاحباب از اعتبار کافی برخوردارند ولی شماری از آنها جزء آثار گمنام و کم اهمیت این دوره است و برخی از اخبار تاریخی ضعیف از طریق این آثار به روضة الشهداء راه یافته است؛ منابعی همچون کنز الغریب و مبکیات. این در حالی است که برخی از مطالب کم اعتبار، غیر موثق و ضعیف موجود در کتاب غیرمستند بوده و منشأ آنها معلوم نیست، مانند مرگ تخیلی جعده، همسر امام حسن (ع)،^۱ هلاک شدن تمامی لشکر دشمن تا سال بعد (کاشفی، ۱۱۴)، ۲۲ هزار زخم برداشتن امام حسین (ع) در میدان جنگ (همو، ۹۸). با وجود این و به رغم کثرت روایات غیر موثق و خارق‌العاده در روضة الشهداء، دور می‌نماید که کاشفی عمداً دست به جعل و تحریف تاریخ زده باشد؛ زیرا در بسیاری از این گونه موارد به منبع مستفاد خود تصریح کرده است. از همین روی، ضعیف یا جعلی بودن خبر، متوجه منبع آن است؛ موضوعی که کاشفی در برخی موارد به آن تصریح می‌کند. به عنوان نمونه، وی روایت مربوط به کشته شدن همسر وهب بن عبدالله کلبی را ضعیف می‌داند (همو، ۳۹۳). در مورد کیفیت انتقال اسرای کربلا به کوفه می‌نویسد که آنها را بر محمل‌ها سوار کردند و به کوفه بردند «و آن که در بعضی کتب نوشته‌اند که سر و پای برهنه بر شتران بی‌جهاز نشانده بردند قولی ضعیف است و به صحت نرسیده» (همو، ۴۸۵). بدیهی است که اگر هدف کاشفی تنها گریاندن مردم بود نباید از نقل چنین روایتی پر

۱. «باد غبارآميز ظاهر شد. او را در ربود و بدان جزیره (جزیره فیل) افکند و بعد از آن هیچ کس از او نشان نداد» (کاشفی، ۲۶۴).

سوز و گداز سرباز می‌زد. همچنین درباره حضور یا عدم حضور عمر بن علی (ع) در کربلا نظر مخالف را نیز آورده است (همو، ۴۴۱). در مورد رحلت حضرت خدیجه و فرستاده شدن کفن او از بهشت می‌نویسد: «و اگر این به صحت رسد ارسال کفن او از بهشت یکی از خصائص وی است» (همو، ۱۲۱). این نمونه‌ها نشان می‌دهد که وی تنها یک ناقل صرف نبود و از پذیرش روایاتی که به عقیده خود نادرست می‌پنداشته، سر باز می‌زد.

به هر روی، روایات جعلی و ضعیف در روضه الشهداء کم نیست. به عنوان نمونه می‌توان به شهادت هاشم بن عتبّه در کربلا نام برد (همو، ۴۰۲ - ۴۰۵) که سالها قبل در نبرد صفین به شهادت رسیده بود. از این دست روایات می‌توان به بیماری ابن زیاد در نتیجه چکیدن قطره‌ای از خون امام حسین (ع) بر بدن او (همو، ۴۸۷)، عروسی قاسم (همو، ۴۳۰ - ۴۳۱)، دشمنی امام حسین (ع) با یزید بر سر یک زن (همو، ۲۸۶ - ۲۸۸) اشاره کرد. نمونه‌های دیگر این دروغ‌ها مرگ تخیلی جعده، همسر امام حسن (ع) (همو، ۲۶۴)، هلاک شدن تمامی لشکر یزید یک سال پس از واقعه کربلا (همو، ۱۱۴)، وارد شدن ۲۲ هزار زخم بر امام حسین (ع) در کربلا (همو، ۹۸) و ماجرای انتقال خبر شهادت امام حسین (ع) به اهل بیت در مدینه به وسیله کلاغ (همو، ۵۲) هستند. روایتی دیگر که ضعف اطلاعات تاریخی کاشفی را آشکار می‌سازد، ذکر محدوده بین افریقیه مغرب تا سمرقند به عنوان قلمرو حکومت امام علی (ع) است (همو، ۲۱۷)!

از منظر تاریخنگاری سابقه همه تحریفات و اطلاعات غیر موثق در باره واقعه کربلا به اثر کاشفی باز نمی‌گردد. بسیاری از آنها پیش از روضه الشهداء به کتابها راه یافته بودند. به عنوان نمونه عروسی قاسم در مقتل ابوالمفاخر آمده بود (همو، ۴۳۱). تعدادی دیگر نیز پس از روضه الشهداء در مقاتل متأخر مطرح گردید که نمونه آن سپاه ۱۲۰ هزار نفری عمر بن سعد در کربلاست، حال آن که در روضه الشهداء تعداد آنها ۲۲ هزار نفر ذکر شده است (همو، ۳۶۰) که در مقایسه با آمار قبلی، با واقعیت فاصله چندانی ندارد.

کاشفی در استفاده از منابع خود تا حد زیادی جانب امانت را رعایت کرده است. تنها در مورد شواهد النبوة یک نمونه از حذف عمدی به چشم می‌خورد و آن هم در ماجرای شهادت

امام حسن (ع) است. کاشفی که این ماجرا را از *شواهد النبوة* نقل می‌کند نامی از معاویه نمی‌برد و او را از شرکت در قتل امام تبرئه می‌کند (همو، ۲۶۰ - ۲۶۱). این در حالی است که در *شواهد النبوة*، معاویه مسئول شهادت امام معرفی شده است (جامی، ۳۴۶). این مسئله احتمالاً به اندیشه کاشفی در مورد پرهیز از بیان اختلافات صحابه باز می‌گردد؛ چیزی که در سراسر کتاب به چشم می‌خورد و مخصوصاً در مورد معاویه این مسئله کاملاً رعایت شده است. کاشفی از معاویه کمتر با نام یاد می‌کند و بیشتر از او با عنوان حاکم شام یاد می‌کند (کاشفی، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۶۳) تا خاطره تلخ رویارویی دو تن از صحابه (امام علی (ع) و معاویه) را به فراموشی بسپارد. همچنین هنگامی که به ماجرای مانع شدن عده‌ای از به خاک سپردن امام حسن (ع) در روضه پیامبر و سپس تیرباران پیکر ایشان اشاره می‌کند از سردمداران این حرکت (و در رأس آنها عایشه) نام نمی‌برد (همو، ۲۶۲). از این موارد می‌توان پی برد که کاشفی در تألیف *روضه الشهداء* به هیچ عنوان در پی مطرح کردن مباحث اختلافی و تقسیم خوانندگان خود به دو جبهه موافق و مخالف نبوده است، بلکه هدف ارائه کتابی بوده است که مقبول هر دو جناح شیعه و سنی قرار گیرد و عملاً هم این اتفاق افتاد که آن را از روی روضه‌الشهدای منظوم و ترجمه و تلخیص‌های مکرر آن به زبان‌های مختلف می‌توان دریافت.

منابع *روضه الشهداء* در بسیاری موارد فارسی است و مؤلفان این آثار گاه خود واعظ بوده‌اند مانند حسن شیعی سبزواری و ملا مسکین فراهی. شماری از این مؤلفان معاصر کاشفی بوده‌اند و در هرات می‌زیسته‌اند همچون جامی (د. ۸۹۸ ق)، امیر عطاءالله دشتکی (د. ۹۲۷ ق) و ملا مسکین فراهی (د. ۹۰۷ یا ۹۰۹ ق). استفاده کاشفی از منابع فارسی می‌تواند به دلیل در دسترس بودن این آثار باشد و یا از آن جهت باشد که تلفیق آنها در یک کتاب فارسی بسیار ساده‌تر از ترجمه عبارات عربی بوده است؛ چنان که مثلاً مؤلف، ترجمه منظوم بیشتر رجزهای موجود در کتاب را از *مقتل ابوالمفاخر رازی* آورده است. افزون آن که مطالب چنین آثاری، به سبب سنجیدگی، برای تألیف کتابی مناسب مجالس وعظ مفیدتر بوده است.

نکته دیگر استفاده فراوان کاشفی از ادبیات است. کاربرد شعر را در این کتاب به فراوانی

می‌توان دید. بعضی از این اشعار مأخوذ از دیگران است و برخی نیز احتمالاً سروده خود کاشفی است (مثلاً ۸۷، ۲۷۱). کاشفی هم از اشعار اساتید سخن استفاده کرده است و هم از معاصرین خویش؛ یعنی اشعار شاه قاسم انوار (د ۸۳۷ ق) و ابن حسام خوسفی (د ۸۷۵ ق). کاربرد فراوان شعر چه در این کتاب و چه در دیگر آثار وی نشانه تسلط عمیق او به ادب فارسی است که موجب شده از آن به عنوان ابزاری تأثیرگذار - مخصوصاً بر عوام - در جهت اقناع خواننده و برانگیختن احساسات آنها بهره برد.

پرکاربردترین منابع روضه الشهداء، شواهد النبوة جامی، روضه الاحباب دشتکی، مقتل الحسین خوارزمی و مقتل الشهداء ابوالمفاخر رازی است. از بین این آثار دو کتاب شواهد النبوة و روضه الاحباب معاصر کاشفی اند.

کتاب روضه الاحباب في سيرة النبي و الآل و الاصحاب تأليف جمال الدين عطاءالله دشتکی شیرازی معروف به جمال حسینی (د. ۹۲۷ ق) است. کتاب در ۹۰۳ ق به پایان رسیده است و به زبان فارسی است و یک بار در لکهنو به چاپ رسیده است. ظاهراً فخرالدین علی، فرزند ملاحسین واعظ کاشفی، با این شخص مرتبط بوده است چرا که از وی با عنوان «استاد» خود یاد می‌کند (فخرالدین علی کاشفی، ۴۸). آنچه که از روضه الاحباب در روضه الشهداء نقل شده است - جز در یک مورد - درباره فضائل و مناقب حضرت علی (ع) است. به عقیده امانت، کاشفی چه در عنوان و چه در ساختار کتاب خود از این کتاب تأثیر پذیرفته است (Amanat, 259).

از دیگر منابع پرکاربرد در روضه الشهداء، شواهد النبوة جامی است که با ۳۷ بار نقل در کتاب، جایگاه اول را به خود اختصاص داده است. به اقتضای طبیعت این کتاب که مربوط به معجزات و شواهد نبوت پیامبر و سایر بزرگان دین است اکثر آنچه از آن نقل شده مربوط به معجزات، کرامات و فضائل امامان شیعه است.

مقتل خوارزمی منبع اصلی کاشفی در بخش مربوط به واقعه کربلاست. کتاب مقتل الحسین خوارزمی (د ۵۶۸ ق) یکی از مهمترین منابع حادثه کربلا به شمار می‌آید. این کتاب پیش از لیهوف سید بن طاووس تألیف شده است. کاشفی از این کتاب و مؤلف آن با تعبیرهای مختلفی

یاد می‌کند. گاه آن را «مقتل نورالائمه خوارزمی» می‌نامد (کاشفی، ۳۱۳) و گاه با تعبیر «نورالائمه خوارزمی» از آن یاد می‌کند (همو، ۱۳۲، ۴۷۷ و ...) و گاه نیز تنها به ذکر «ابوالمؤید» بسنده می‌کند (همو، ۴۸۶). نام کامل مؤلف «موفق بن احمد بن محمد ابوالمؤید المکی العلامه خطیب خوارزم» است (ذهبی، ۳۹/۳۲۷). حاجی خلیفه لقب «خوارزمی» را نیز به پایان نام او اضافه کرده است (حاجی خلیفه، ۱/۸۱۵). وی شاگرد زمخشری بود و عربی را نزد وی آموخت (زرکلی، ۷/۳۳۳). در منابع از لقب «نورالائمه» برای او یاد نشده است. ضمن آنکه گرچه بزرگان شیعه همچون عبدالحسین امینی و میرحامد حسین کتاب *مقتل الحسین (ع)* را جزء تألیفات وی دانسته‌اند (امینی، ۴/۵۳۸؛ میرحامد حسین، ۱۶/۳۰۱)، ولی در منابع از این کتاب یاد نشده است (حاجی خلیفه، ۲/۱۸۳۷؛ ذهبی، ۳۹/۳۲۷؛ زرکلی، ۷/۳۳۳). در مقایسه منقولات کاشفی از این مقتل با اصل کتاب اختلافاتی به چشم می‌خورد. از ۲۸ مورد نقل کاشفی دست کم ۴ مورد در *مقتل خوارزمی* وجود ندارد: خودکشی ذوالجناح بعد از شهادت امام حسین (ع) (کاشفی، ۴۷۲)، آمدن لشکر جن برای یاری امام حسین (ع) (همو، ۴۶۲)، آوردن سرهای شهدا در اربعین به کربلا و دفن آنها در کنار ابدان شهدا (همو، ۵۱۹) و سخن مادر وهب بن عبدالله کلبی بعد از شهادت فرزندش (همو، ۳۹۳). این مسئله را یا باید به حساب سهل انگاری کاشفی گذاشت یا نقصان نسخه های فعلی که کتاب *مقتل خوارزمی* بر اساس آنها به چاپ رسیده است. به عقیده نگارنده هر دوی این احتمالات ضعیف است و احتمالاً این روایات ساخته دست مترجم کتاب *مقتل الحسین (ع)* خوارزمی است. گرچه دانسته نیست که آیا این کتاب به فارسی هم ترجمه شده است یا خیر، ولی از برخی منقولات کاشفی از کتاب بر می‌آید که کاشفی احتمالاً از ترجمه آن استفاده کرده است. از جمله آن که کاشفی ترجمه بعضی از رجزها را از این کتاب نقل می‌کند (همو، ۴۰۰ - ۴۰۱، ۴۵۱) و در یک مورد تصریح می‌کند که ترجمه رجز شاهزاده علی اکبر را از *مقتل نورالائمه* می‌آورد^۱ و نیز اشعاری از زبان حال امام حسین (ع) به هنگام رسیدن به کربلا (همو، چاپ شعرانی، ۲۵۹ -

۱. «ترجمه بعضی از آن در *مقتل نورالائمه خوارزمی* بر این منوال است...» (کاشفی، ۴۵۱).

۲۶۰^۱ و نقلی از خوارزمی در تحریض بر گریستن بر امام حسین (ع)^۲. با توجه به این موارد می‌توان احتمال داد که کاشفی از ترجمه کتاب استفاده کرده است و مترجم چیزهایی بر متن اصلی افزوده است.

مقتل ابوالمفاخر هم یکی از منابع اصلی کاشفی است. نام اصلی کتاب، *مقتل الشهداء* و تألیف ابوالمفاخر رازی است که از شعرا و ادبای قرن ششم بوده است. وی از شیعیان امامی بوده است (جعفریان، ۳۶). دولتشاه سمرقندی شرح حال او را در باب دوم کتاب خود آورده است (دولتشاه سمرقندی، ۸۶). به نوشته آقابزرگ وی معاصر خاقانی (۵۹۵ ق) بوده است و نامه نگاری‌هایی با وی داشته است (آقابزرگ، ۹/ ۵۰۹). بخش عمده ای از منقولات کاشفی از این مقتل را ترجمه رجزهای اصحاب امام حسین (ع) تشکیل می‌دهد (مثلاً ۳۷۵، ۴۰۸، ۴۱۳ - ۴۱۴، ۴۲۳ - ۴۲۴). به نظر می‌رسد این کتاب تماماً منظوم نبوده است؛ چرا که کاشفی حکایات مشثوری نیز از آن نقل کرده است (همو، ۵۲۵، ۵۲۹). ظاهراً ماجرای عروسی قاسم در این کتاب نیز آمده است چرا که در ابیاتی که کاشفی در ترجمه رجزهای قاسم بن حسن (ع) از این کتاب آورده است چنین معنایی وجود دارد.^۳

تأثیرگذاری روضه الشهداء

بی‌گمان روضه الشهداء یکی از تأثیرگذارترین آثار مذهبی به زبان فارسی در منطقه شرقی جهان اسلام (از هند تا عثمانی) برای چندین سده بوده است. محدوده جغرافیایی تحت نفوذ این کتاب را از ترجمه و تلخیص‌های متعددی که تنها اندکی پس از وفات مؤلف به زبان‌های مختلف صورت گرفته است می‌توان دریافت (آقابزرگ، ۷/ ۲۲۷؛ حاجی خلیفه، ۱/ ۹۲۶؛ بغدادی، ۲/ ۲۵۲؛ استوری، ۲/ ۹۰۹ - ۹۱۲).

اوج تأثیرگذاری این کتاب را در پیدایی اصطلاح «روضه خوان» می‌توان دید. در ایران و عراق مرثیه خوانان مراسم سوگواری امام حسین (ع) را «روضه خوان» می‌گفتند که به معنای

۱. در چاپ روشن، ذکری از نورالانمه نیست (همو، ۳۵۱).

۲. «نورالانمه خوارزمی آورده که ای مشتاقان اهل بیت بگریید و ای محبان خاندان ناله و زاری کنید...» (همو، ۴۷۷).

۳. با لباس و اساس (۹) دامادی عزم ترتیب راه خواهم کرد (همو، ۴۳۱).

خوانندگان روضه الشهداء بود؛ زیرا معمولاً بر منابر شرح واقعه کربلا را از روی این کتاب برای مردم خواندند (آقابزرگ، ۱۱/ ۲۹۴). به نوشته خوانساری روضه الشهداء تنها کتابی بود که اهل منبر و وعاظ برای بیان مصائب اهل بیت به آن مراجعه می‌کردند و در منبر عین آن را می‌خواندند؛ زیرا می‌دانستند که قادر به تقریر بهتر از آن نیستند (خوانساری، ۳/ ۲۳۰). البته معمولاً کسانی که تازه کار بودند چنین می‌کردند. شیخ جعفر شوشتری، یکی از وعاظ صاحب نام عصر قاجاریه، خود در بیان آغاز کار خویش به این موضوع تصریح کرده است.^۱ آنگاه در طول زمان و پس از بروز قابلیت بیشتر، از دانسته های خود بر آن می‌افزودند. بنابراین اصطلاح «روضه خوان» در مورد تازه کاران به کار می‌رفت. شواهدی نیز برای این مسئله وجود دارد. آقابزرگ در شرح حال محمد بن حسین تبریزی (سده یازدهم) می‌نویسد: وی نخست قاری روضه الشهداء بود، آنگاه کارش ترقی کرد (آقابزرگ، ۹/ ۲۲۱). همچنین در شرح حال یکی از شعرا به نام کاظم تبریزی می‌نویسد که وی در ایام عاشورا «قاری روضه الشهداء» بود (همو، ۹/ ۹۰۰).

این کتاب نه تنها منبع روضه خوانان برای واقعه عاشورا به حساب می‌آمد بلکه به نظر می‌رسد بسیاری از آنچه که درباره پیامبران سلف و اهل بیت برای قرن‌ها در ذهن و اندیشه ایرانیان نقش بسته است برگرفته از همین کتاب باشد. دلیل آن هم واضح است؛ موضوع کتاب بسی عام‌تر از واقعه کربلاست و نیمه نخست آن به اخبار انبیای سلف و اهل بیت اختصاص دارد. طبیعتاً روضه خوانان و مردم باسوادی که برای مطالعه واقعه کربلا به سراغ این کتاب می‌رفتند از این حکایات نیز استفاده می‌کردند، حکایاتی چون افتادن حضرت آدم (ع) در سرانذیب (کاشفی، ۴۳) ماجرای فطرس ملک (همو، ۲۶۷ - ۲۶۸) و ماجرای پیرمرد نابینا و فقیری که تنها پس از شهادت علی (ع) دریافت که آن حضرت مددکارش بود (همو، ۲۳۹ - ۲۴۰). درست است که برخی از این مطالب در کتب دیگر هم آمده است، ولی به سبب شهرت و در دسترس بودن روضه الشهداء و بازگویی مطالب مربوط به انبیا و اولیای آن بر منابر، بیشتر

۱. محدث نوری، دارالسلام، ۲/ ۲۹۶ - ۲۹۷. گرچه باید توجه داشت وی چند سده بعد از تالیف روضه الشهداء می‌زیسته است و سخن او نمی‌تواند مبنایی برای دوره های قبل باشد.

در خاطره عوام باقی مانده است.

تأثیر روضه الشهداء فراتر از محدوده باور و برداشتهای عامه بود. چنین به نظر می‌رسد برخی از مراسم آئینی مربوط به کربلا نیز متأثر از این کتاب باشد، به عنوان نمونه تعزیه (شبییه) امیر تیمور. کاشفی قتل عام شامیان توسط تیمور را انتقام از آنها به واسطه شرکت داشتن نیاکانشان در قتل امام حسین (ع) معرفی کرده است (همو، ۱۰۵). درست است که تیمور با شعار انتقام خواهی امام حسین (ع) دمشق را گشود ولی با توجه به این که اهل منبر بر اساس تأکید کاشفی بر انگیزه مذکور و نه تواریخ، فتح شام را بازگو می‌کردند، دور نیست که آنچه به عنوان شبیه یا تعزیه امیر تیمور تا چند دهه قبل در ایران برگزار می‌شد ناشی از روضه الشهداء بوده باشد (شعرانی، ۶۶). از این روی جای تعجب نیست که برخی از محققان، این کتاب را از عوامل هموار کننده پیروزی نهضت صفویه و یا دست کم یکی از عوامل اصلی گسترش تشیع در ایران به شمار آورند که از پیش مستعد تغییر مذهب شده بود (شیبی، ۳۲۷).

رواج روضه الشهداء اسباب خود را داشت. قطع نظر از اظهارات غیر مستند اما محتمل درباره استفاده تبلیغاتی حکومت صفویه از آن برای ترویج تشیع در میان توده‌ها، باید به ویژگیهای خود کتاب برای جلب اقبال عمومی نیز توجه داشت. علاوه بر نثر ساده و روان روضه الشهداء^۱ - که از سبک متکلفانه کتب تاریخی این دوره و عربی‌زدگی کتب دینی به دور است - جامعیت مطالب آن نیز در این تأثیرگذاری بسیار مؤثر بوده است. در واقع همان روایات ضعیف و مجعول کتاب در اینجا نقشی مهم در مقبولیت عام آن داشته است؛ چرا که طبیعتاً، این روایات نیاز مجالس تعزیه را برآورده می‌کرد. ویژگی که در آثار تاریخی مربوط به کربلا دیده نمی‌شود. در کمتر اثر مشابهی این همه حکایت و ماجرا با چنین نظم و ترتیب نیکویی در کنار هم چیده شده است. در واقع کاشفی به مدد منابع مختلف تاریخی، ادبی، تفسیری و ... گزارشی ساده، جذاب و البته باور کردنی (برای مخاطبان آن روزگاران) از حادثه کربلا به دست

۱. به عنوان نمونه متن زیر: «پس آدم به هوای محبت از فضای بهشت به تنگنای دنیا آمد و از ساحل سلامت رو به گرداب ملامت نهاد و از گلشن فرح متوجه گلخن ترح شد. گلزار نعمت را به خارستان نعمت مبدل ساخت و از ذروه محبت به حضيض محنت افتاد. از مرتبه قربت رو به بادیه غربت آورد و درکات کلفت را بر درجات انس و الفت اختیار کرد. قدم از صومعه شادکامی بیرون نهاد، ساکن غمکده بدنامی شد؛ زیرا که عشق و نیکنامی با یکدیگر راست نیاید» (کاشفی، ۴۲).

داده است. چنین گزارشی نمی‌توانست مورد اقبال خواننده و شنونده عامی قرار نگیرد. توجه مؤلف به جزئیات و شرح قهرمانی‌های افراد در روز عاشورا بر جذابیت کتاب می‌افزاید. در شیوه روایتی کتاب، دو بعد حماسه و مرثیه با قوت و قدرت تمام نمایان می‌شود. جنگ یاران امام با دشمنان و شرح جزئیات آن علاوه بر رجز خوانی‌ها و توصیف صحنه‌ها، ریتم و فضای حاکم بر ماجرا، حماسه و احساسی حماسی پدید می‌آورد و در کنار آن به دلیل ماهیت ماجرای که در حال تکوین است و مظلومیت مردان حقی که به دست ظالمان جبار در رنج هستند، رنج و الم و مرثیه را با شجاعت و حماسه در هم می‌آمیزد و تأثیری عمیق بر خواننده برجا می‌گذارد (نیک پایان، ۳۷).

جمع بندی

کتاب *روضه الشهداء* به سبب جامعیت مطالب و نثر شیوایش برای چندین سده جایگاه ویژه‌ای در میان دوستداران اهل بیت از شیعه و سنی پیدا کرده است. این کتاب به سبب احترام نهادن به اعتقادات هر دو جناح شیعه و سنی و پرهیز از مطرح کردن بحث‌های اختلافی، مورد پذیرش هر دو گروه قرار گرفت و لذا مخاطبان این کتاب هم شیعیان بوده‌اند و هم سنیان؛ نسخه‌های متعدد کتاب و ترجمه آن به زبان‌های مختلف این موضوع را تأیید می‌کند.

وجود مطالب مجعول و مشکوک در کتاب، امری غیر قابل انکار است؛ این موضوع دلایل متعددی دارد: مهمترین عامل استفاده مؤلف از منابع ناموثق و غیر معروف است. بسیاری از اطلاعات مجعول در *روضه الشهداء* پیش از آن در برخی از منابع آمده بود. عامل دیگر، نیاز جامعه آن روز به کتاب مناسبی درباره واقعه کربلا بود؛ چرا که به سبب برگزاری مجالس عزاداری امام حسین (ع) در آن زمان به کتابی جامع، ساده و روان به زبان فارسی پیرامون واقعه کربلا نیاز بود؛ به همین سبب کاشفی سعی کرد از همه اطلاعات موجود استفاده و این نیاز را برآورده کند؛ همین، سبب ورود اخبار ضعیف در کتاب شده است. زبان فارسی، جامعیت، تنوع منابع و مطالبی که حاصل سالها تجربه کاشفی در وعظ و شناخت مخاطبین بود، اثر او را کتابی

مستند اما احساس برانگیز و جذاب کرد که قابل فهم و مطلوب طبقات مختلف اجتماعی شد. همین ویژگی‌ها روضه الشهداء را به کتابی تأثیرگذار تبدیل کرد.

کتابشناسی

- آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- استوری، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یو. ا. برگل، مترجمان (به فارسی) یحیی آرین پور، سیروس ایزدی، کریم کشاورز، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، قم، ۱۴۱۶ ق.
- بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیة العارفین، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- جامی، شواهد النبوة، به کوشش حسن امین، میرکسری، تهران، ۱۳۷۹.
- جعفریان، رسول، «ملاحسین واعظ کاشفی و روضه الشهداء»، آینه پژوهش، ش ۳۳، مرداد و شهریور ۱۳۷۴، ۲۰ - ۳۸.
- حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- خواندمیر، حبیب السیر، به کوشش محمد دبیرسیاقی، کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۶۲.
- خوانساری، میرزا محمد باقر موسوی، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، به کوشش اسدالله اسماعیلیان، مکتبه اسماعیلیان، تهران، ۱۳۹۱ ق.
- دولتشاه سمرقندی، تذکرة الشعراء، به کوشش محمد عباسی، کتابفروشی بارانی، تهران، بی تا.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.
- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، دارالعلم للملایین، بیروت، بی تا.
- شیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵.
- فرهانی منفرد، مهدی، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
- کاشفی، فخرالدین علی، لطائف الطوائف، به کوشش احمد گلچین معانی، اقبال، تهران، ۱۳۸۹.
- کاشفی، ملاحسین واعظ، روضه الشهداء، به کوشش ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۴۹.

_____ روضة الشهداء، به کوشش محمد روشن، صدای معاصر، تهران، ۱۳۹۰.

مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، صدرا، تهران، ۱۳۷۳.

میرحامد حسین، عبقات الانوار في امامة الائمة الاطهار، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۳۶۶.

نوابی، امیر نظام الدین علیشیر، مجالس النفائس، به کوشش علی اصغر حکمت، منوچهری، تهران، ۱۳۲۳.

نوری، میرزا حسین، ترجمه دارالسلام در حقیقت خواب و گزارش آن، ترجمه محمد باقر کمره ای، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۵۳.

نیک پایان، مرتضی، «بررسی روایت وقایع عاشورا در روضة الشهداء»، فرهنگ اصفهان، بهار ۱۳۷۵، ش ۱۱، ص ۲۸ - ۳۹.

Amanat, Abbas, "Meadow of the Martyrs: Kâshif's Persianization of the Shî'a Martyrdom Narrative in the Late Tîmûrîd Herat ", *Culture and Memory in Meedieval Islam*, Essays in honour of Wilfered Madelung, Edited by Farhad Daftary and Josef w. Meri, I. B. Tauris Publishers in association with The Institute of Islamic Studies, London. Newyork, 2003, 250 _ 279.

Yousofi, Gholam Hosein, "kâshif" , *EI2*, LEIDEN: E. J. BRILL, 1978.